

## چهارده مشخصه ی رژیم های فاشیستی

ترجمه ی سعید رهرو برگرفته از سایت  
www.oldamericancentury.org

دکتور لورنس بریت استاد علوم سیاسی در کتاب *Fascism anyone?* برای رژیم های فاشیستی ۱۴ خصلت مشترک بر می شمارد. در مقایسه ای که وی انجام داده هیتلر، موسولینی، سوهارتو، پینوشه و فرانکو در این امر شریک اند.

۱) ناسیونالیسم قوی و دائمی: گرایش رژیم های فاشیستی این است که شعارها، سمبل ها، سرودها و دیگر ساز و برگ های میهن پرستانه را به کار می گیرند. پرچم ها همه جا دیده می شود چنانکه سمبل های میهن پرستانه را روی لباس ها، پرده ها و صحنه های نمایش عمومی و اتومبیل ها می توان دید.

۲) انزجار از به رسمیت شناختن حقوق بشر: به دلیل ترس از دشمنان و نیاز به امنیت، مردم را در رژیم های فاشیستی قانع می کنند که حقوق بشر و آزادی های مدنی، در مواردی به دلیل «ناچاری» نادیده گرفته می شود و مردم هم گرایش دارند که چشم فروبندند یا حتی اعمال شکنجه، کشتارهای دستجمعی، بازداشت زندانیان را بدون محاکمه و غیره تأیید کنند.

۳) مشخص کردن دشمنان و سپر بلا قرار دادن آنها به عنوان یک عامل وحدت بخش: مردم به جنونی میهن پرستانه و وحدت بخش دچار می شوند، زیرا این نیاز وجود دارد که یک تهدید یا یک دشمن مشترک را نابود کنند، مثلاً اقلیت های قومی یا مذهبی، لیبرال ها، کمونیست ها، تروریست ها و غیره.

۴) تقوق نظامیان: حتی زمانی که مشکلات داخلی همه جا را برگرفته، سهمی که از بودجه ی کشور به نظامیان تعلق می گیرد، تناسبی با جایگاه و اهمیت آنان ندارد و مسایل داخلی نادیده گرفته می شود.

۵) جنسیت گرایی افراطی: دولت های فاشیستی گرایش به این دارند که غالباً و به گونه ای تقریباً انحصاری تحت سیستم مردسالاری باشند. در رژیم های فاشیستی، نقش های مبتنی بر جنسیت که طبق سنت معمول بوده بسیار معتبر و دیرپا هستند. مخالفت با سقط جنین و ضدیت با همجنس طلبی نیز جزئی از سیاست ملی ست.

۶) رسانه های گروهی تحت کنترل اند. رسانه ها را دولت گاه مستقیماً کنترل می کند و در مواردی دیگر غیر مستقیم، یعنی از طریق آئین نامه های دولتی یا سخنگویان ظاهر را دلسوز یا مأموران اجرائی. سانسور، به خصوص در زمان جنگ بین این رژیم ها مشترک است.

۷) امنیت ملی دغدغه ی دائمی ست: از ترس، به عنوان ابزاری جهت ممانعت از حرکت توده ها استفاده می شود.

۸) دین و حکومت با هم آمیخته اند: گرایش دولتها در رژیم های فاشیستی این است که عام ترین معتقدات مذهبی ملت را چون وسیله ای برای ساختن افکار عمومی و در دست گرفتن آن به کار گیرند. خطابه ها و اصطلاحات مذهبی را رهبران دولتی همواره به کار می گیرند حتی زمانی که اعتقادات مهم مذهبی با سیاست ها و اعمالشان رو در رو باشند.

۹) قدرت شرکت های صنعتی و تجاری مورد حراست کامل قرار دارد: اشرافیت صنعتی و تجاری یک کشور فاشیستی همان نیرویی ست که رهبران دولتی را به قدرت می رساند و روابط کارفرمایان و دولت، منافع متقابلی را برای نخبه ای که در قدرت است تأمین می نماید.

۱۰) قدرت کارگران حذف می شود: زیرا قدرت تشکل کارگری تنها تهدید واقعی علیه حکومت فاشیستی ست. اتحادیه های کارگری یا کاملاً نابود می شوند یا شدیداً سرکوب می گردند.

۱۱) انزجار از روشنفکران و هنرها: گرایش رژیم های فاشیستی بر این است که خصومت با آموزش عالی و دانشگاه ها را یا دامن می زنند یا در برابرش سکوت می کنند. سانسور یا دستگیری استادان و دیگر دانشگاهیان امری غیرعادی نیست. آزادی بیان هنری علنا مورد حمله قرار می گیرد و دولت ها غالبا از اختصاص بودجه برای هنرها سر باز می زنند.

۱۲) جنایت و مجازات مشغولیت ذهنی عمده: در رژیم های فاشیستی به پلیس تقریبا قدرت نامحدود داده می شود تا قوانین را اجرا کنند. مردم غالبا مایل اند که خلافکاری های پلیس را نادیده بگیرند و به نام میهن پرستی از آزادی های مدنی چشم پوشند. در کشورهای فاشیستی، نیروی پلیس عملا از قدرت نامحدود برخوردار است.

۱۳) رفیق بازی و فساد فراگیر: رژیم های فاشیستی را تقریبا همیشه گروه هایی از دوستان و همستان اداره می کنند که در حفظ مقام های حکومتی از یکدیگر حمایت می نمایند و از قدرت و سلطه ی دولتی سوء استفاده کرده دوستان خود را از حسابرسی در امان می دارند. در رژیم های فاشیستی، این امری عادی ست که منابع ملی و حتی خزانه ی مملکت را حکومتگران به سود خود تصرف و حتی صاف و راست سرقت کنند.

۱۴) انتخابات قلابی: در کشورهای فاشیستی، انتخابات گاه یک ظاهر سازی و شیادی تمام عیار است و گاه مداخله در انتخابات از طریق کارزارهای مبتنی بر لجن پراکنی به کاندیداهای اپوزیسیون یا حتی قتل آنان، استفاده از قانون برای کنترل تعداد آراء یا کنترل حوزه های انتخاباتی صورت می گیرد. در این رژیم ها این گرایش نیز وجود دارد که با استفاده از نظام قضائی در انتخابات دست ببرند.

(منتشر شده در آرش ۹۱ مورخ آوریل ۲۰۰۵)